



مشاوره تحصیلی هیوا

تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

مشاوره تخصصی ثبت نام مدارس ، برنامه ریزی درسی و آمادگی
برای امتحانات مدارس

برای ورود به صفحه مشاوره مدارس کلیک کنید

برای ورود به صفحه نمونه سوالات امتحانی کلیک کنید

تماس با مشاور تحصیلی مدارس

۹۰۹۹۰۷۱۷۸۹



تماس از تلفن ثابت

زمان گذشته استمراری : (past continuous / progressive)

was/ were + فعل +ing : طرز ساخت گذشته استمراری

1-He was writing a letter between 9 and 10 last night.

2- They were watching TV all night.

نکته ۱: برای منفی کردن زمان گذشته استمراری، بعد از فعل های کمکی (was / were)، (not) یا شکل مخفف (n't) را می آوریم.

3-He was not(n't) writing a letter between 9 and 10 last night.

4-They were not(n't) watching TV all night.

نکته ۲: برای سوالی کردن زمان گذشته استمراری، جای فعل های کمکی (was / were)، با فاعل عوض می کنیم.

5- Was he writing a letter between 9 and 10 last night?

6- Were they watching TV all night?

موارد کاربرد زمان گذشته استمراری :

۱- بیان عمل یا رویدادی که در زمان معینی (مشخصی) در گذشته در حال انجام (در جریان) بوده است. در این کاربرد زمان دقیق آغاز و پایان آن عمل یا اتفاق مشخص نشده است.

7- I was watching football at this time yesterday.

8 - They were studying English all day yesterday.

۲- بیان عمل یا رویدادی که در گذشته ادامه داشته و کار دیگری با آن تلاقی پیدا می کند (در این کاربرد) در اکثر موارد، گذشته استمراری همراه با گذشته ساده بکار می رود. در چنین حالتی، گذشته استمراری بر کارها و فعالیت های طولانی تر (که در پس زمینه هستند) دلالت می کند، در حالی که گذشته ساده بر کارها و فعالیت هایی دلالت می کند که در میانه کارهای طولانی تر واقع شده اند که در زمان کمتری به طول می انجامد.

نکته ۱: در این کاربرد، از حروف ربط (when / as / while) استفاده می شود. الگوی استفاده از این حروف ربط، معمولاً به شرح زیر است.

گذشته استمراری ، گذشته ساده **When**

گذشته ساده **when** گذشته استمراری

9-**When** My father came in, I was reading a story book.

(OR) I was reading a story book when my father came in.

گذشته ساده ، گذشته استمراری **While / As**

گذشته استمراری **while/as** گذشته ساده

10- **While** he was watching TV, the phone rang. (OR) The phone rang **while** he was watching TV.

11- **As** they were walking in the street, they saw the accident.

(OR) They saw the accident **as** they were walking in the street.

نکته ۲: در ساختار دوم، به جای (while / as)، بویژه در انگلیسی بریتانیا، از (when) هم میشه استفاده کرد.

13- I met her **when / as / while** we were working for the same company.

www.Heyvagroup.com

نکته ۳: در این کاربرد، قبل از گذشته ساده (when) همیشه استفاده کردیم به عبارت دیگر (while / as) با گذشته ساده که نشان دهنده يك عمل کوتاه و لحظه ای است، بکار نمی رود.

13- **When I met** her, we **were working** for the same company. (جمله درست)

* **While I met** her, we **were working** for the same company. (جمله نادرست)

* **As I met** her, we **were working** for the same company. (جمله نادرست)

۳- گذشته استمراری برای بیان دو عمل که به طور هم زمان در زمان گذشته در حال انجام بوده است، نیز بکار می رود.

When / While / As گذشته استمراری
گذشته استمراری **when / while / as** گذشته استمراری

14- **While / As / When** my mother **was cooking** lunch, my father **was reading** a newspaper.
(OR) My father **was reading** a newspaper, **while / as / when** my mother **was cooking** lunch.

۴- بیان توصیفات در داستان ها:

15- The sun **was shining**. People **were sitting** under the trees or **walking** around the park.
Suddenly a car **drove** into the park.

۵- برای بیان تغییر و یا رشد (پیشرفت تدریجی کار یا اتفاقی) در زمان گذشته بدون ذکر قید زمان:

16- It **was getting** dark.

17- The children **were growing up** quickly.

18- My hair **was going** gray.

۶- کاریا عملی که بارها و بارها در زمان گذشته تکرار شده باشد (بویژه برای بیان شکایت و گله مندی از يك عملی). معمولاً در این کاربرد قید تکرار (**always**) بین فعل کمکی و فعل اصلی میاد.

19- He **was always leaving** his dirty clothes on the floor.

20. My sons **were always fighting**.

21- I **was practicing** the piano every day, three times a day. (جمله درست)

22- I **practiced** the piano every day, three times a day. (جمله درست)

- برای درك بیشتر، دو جمله ی زیر را با هم مقایسه کنید

23- **When** the guests **arrived**, my mother **was cooking** dinner.

وقتی مهمان ها رسیدند، مادرم داشت شام درست می کرد.

(شام درست کردن مادرم قبل از آمدن مهمان ها شروع شده بود و زمانی که مهمانان رسیدند، شام پختن او ادامه داشت.)

24- **When** the guests **arrived**, my mother **cooked** dinner.

اول مهمان ها رسیدند، سپس مادرم شام را درست کرد. (شام درست کردن مادرم بعد از آمدن مهمان ها شروع شد)

۷- زمان گذشته استمراری، گاهی اوقات در زبان محاوره، برای بیان مودبانه يك تقاضا یا پیشنهاد با افعال

(**wonder/ think**) استفاده می شود.

25- I **was wondering** if I could borrow your car?

26- I **was wondering** if you would like to come to the concert?

www.Heyvagroup.com

نکته: فعل های حالت (State verbs) که معمولاً حالت یا وضعیت را نشان می دهند به شکل استمراری (حال استمراری و گذشته استمراری ...) بکار نمی روند

27-I needed a taxi at 2 o'clock yesterday. (جمله درست)

28-*I was needing a taxi at 2 o'clock yesterday. (جمله نادرست)

29- I know him very well. (جمله درست)

30-*I am knowing him very well. (جمله نادرست)

• بخش (writing) درس ۳

افعال به دو گروه طبقه بندی می شوند

۲- افعال حالت / ایستایی (State Verbs)

۱- افعال کنشی / حرکتی (Action Verbs)

افعال کنش / حرکت (Action Verbs) : افعالی هستند که انجام عمل، حرکت یا تغییر حالت را بیان می کنند

walk / study / say / write / go / visit / drink ...

نکته: افعال کنشی را می توان هم به شکل ساده و هم استمراری بکار برد.

1- He walked to school yesterday.

2- While he was walking to school, he saw the accident.

۲- افعال حالت / ایستایی (State Verbs) : افعالی هستند که حالت، احساس، فکر و عقیده را بیان می کنند

برخی از افعال حالت (ایستایی) در حد کتاب درسی و کککور عبارتند از:

۱- افعال مالکیت :

دارا بودن/ داشتن = possess تعلق داشتن = belong to مالک بودن = own داشتن = have

۲- افعال مربوط به حس ها، احساس و نیاز :

متغیر بودن = dislike=hate دوست داشتن = love=like آرزو داشتن = wish نیاز داشتن = need خواستن = want

مزه دادن = taste بو دادن = smell دیدن = see ترسیدن = fear ترجیح دادن = prefer

شنیدن = hear

۳- افعال مربوط به بیان عقیده، نظر و فکر :

فراموش کردن = forget به یاد آوردن = remember اعتقاد داشتن = believe عقیده داشتن / فکر کردن = think

انتظار داشتن = expect تصور داشتن = imagine دانستن = know فهمیدن = understand

تشخیص دادن = realize=recognize مخالف بودن = disagree موافق بودن = agree

۴- افعال مربوط به موجودیت :

شامل شدن/ دربر داشتن = consist of=contain/ include وجود داشتن = exist بودن = be

۵- افعال مربوط به ظاهر و قیافه :

به نظر رسیدن = sound به نظر رسیدن = appear به نظر رسیدن = seem

۶- برخی از افعال حالت دیگر:

اهمیت داشتن = mind=matter معنی داشتن = mean وابسته بودن = depend on وزن داشتن = weigh

قیمت داشتن = cost

نکته مهم: برخی از افعال حالت (استاتی) می توانند فعل کششی نیز محسوب شوند که طرز متفاوتی دارند این فعل ها در این معانی جدید ، به شکل استمراری هم می توانند بکار روند برخی از این افعال عبارتند از:

weigh = وزن کردن فکر (فکر کردن) کردن در مورد کسی یا چیزی = think ملاقات کردن = see خوردن = have

3- I am seeing the doctor at 6 tomorrow. (ملاقات کردن) (جمله درست)

4- I see you now. (دیدن) (جمله درست)

5- *I am seeing you now. (دیدن) (جمله نادرست)

ضمایر انعکاسی و تأکیدی Reflexive Pronouns:

ضمایر انعکاسی: وقتی فاعل و مفعول جمله هر دو یک شخص یا یک چیز باشد به جای ضمیر مفعولی از ضمایر انعکاسی استفاده می شود. ضمایر انعکاسی عبارتند از:

myself	خودم	ourselves	خودمان
yourself	خودت	yourselves	خودتان
himself	(مذکر) خودش		
herself	(مؤنث) خودش	themselves	خودشان
itself	(غیر انسان) خودش		

1- I saw myself in the mirror.

2- She burnt herself.

نکته ۱: برخی از افعال مانند buy , make , show , send , give می توانند دو مفعول داشته باشند.

۱- مفعول مستقیم (شی) ۲- مفعول غیر مستقیم (شخصی)

3. He made a cake for himself.

4. He made himself a cake.

مفعول شخصی + for/to + مفعول شی

مفعول شی + مفعول شخصی

در این ساختار حرف اضافه for , to حذف می شود.

نکته ۲: ضمایر انعکاسی ، اگر به همراه by در آخر جمله بیاید، معنی « به تنهایی » = alone / without help / on (my, your ...) own را می دهند.

5- I did my homework by myself. (= alone / on my own)

6- Do your job by yourself. (= alone / on your own)

ضمایر تأکیدی: ضمایر انعکاسی اگر برای تأکید بر روی فاعل و مفعول جمله بکار بروند به آنها ضمایر تأکیدی گفته می شود.
ضمایر تأکیدی برای تأکید بر فاعل جمله در دو جا بکار می روند:

الف) بعد از فاعل ب) بعد از مفعول

7- I myself repaired the bicycle. من خودم دوچرخه را تعمیر کردم (نه شخص دیگری)

8- I repaired the bicycle myself.

در مثالهای بالا " myself " خودم " بر فاعل www.Heyvagroup.com

تأکید بر مفعول جمله : **هیوا تخصصی ترین سایت مشاوره کشور**

- ضمائر تأکیدی برای تأکید بر مفعول جمله فقط بعد از مفعول جمله بکار می رود.

9- I like the house itself, but I don't like the neighbors.

من خود خانه را دوست دارم ، اما همسایه ها را دوست ندارم.

در مثال بالا itself بر مفعول جمله the house تأکید دارد.

10 - I want to see the President himself.

نکات اضافی در مورد ضمائر انعکاسی و تأکیدی :

نکته اضافی ۱ (زبان تخصصی) : معمولاً بعد از حروف اضافه (مکان) از ضمائر مفعولی استفاده می کنیم که در فارسی معنی ضمائر انعکاسی را می دهند.

11- She took her dog with her. (جمله درست) او سگش را با خودش برد

*She took her dog with herself. (جمله نادرست)

12- They put their child between them. (جمله درست) آنها بچه خود را بین خودشان قرار دادند

*They put their child between themselves. (جمله نادرست)

13- I saw a beautiful car in front of me. (جمله درست)

* I saw a beautiful car in front of myself. (جمله نادرست)

14- He was pulling a small cart behind him. (جمله درست) او یک گاری کوچک را پشت سر خودش می کشید

* He was pulling a small cart behind himself. (جمله نادرست)

نکته اضافی ۲ (زبان تخصصی) : بعد از افعال دو کلمه ای (عبارتهای فعلی) و صفت هایی که همراه حرف اضافه می آیند ، همیشه از ضمائر انعکاسی استفاده کرد.

15-She was pleased with herself. او از خودش راضی بود

16-You can be proud of yourself. شما می توانید به خودتان افتخار کنید

17-You should take care of yourself. شما باید مواظب خودتان باشید

نکته اضافی ۳ (زبان تخصصی) : ضمائر انعکاسی گاهی اوقات به جای ضمائر فاعلی و مفعولی هم بکار می رود.

18-Everybody was early except myself (OR I / me)

19-There will be four of us at dinner: Robert, Alison, Jenny and myself (OR I / me)

نکته اضافی ۴ (زبان تخصصی) : معمولاً با فعل های { dress/ wash / shave } که فعالیت های روزانه را نشان می دهند ، ضمائر انعکاسی بکار نمی رود .

*20- Reza washed himself in cold water. (جمله نادرست) او دست و روی خود را با آب شست

*21- He always shaves himself before going out in the evening. (جمله نادرست) (اصلاح می که)

*22- Mina dressed herself and got ready for the party. (جمله نادرست)

مینا لباس های خود را پوشید و برای مهمانی آماده شد

توجه : فعل های مذکور را برای تأکید ، همیشه با ضمائر انعکاسی بکار برد.

23-She dressed herself in spite of (علیرغم) her injuries.

24-He is old enough to wash himself. www.Heyvagroup.com

هيوآ تخصصی ترين سايت مشاوره کشور

نکته اضافی ۵ (زبان تخصصی) : به اصطلاحات زیر با کلمه ی (خود=own) ، که تقریباً معنی ضمائر انعکاسی را در فارسی می دهند توجه کنید

- 25- I would like to have a place of my own. من می خواهم که يك جایی برای خودم داشته باشم.
26- I always type my own letters. من همیشه نامه ها را خودم تایپ می کنم.
27- The children have both got their own rooms. بچه ها هر دو اتاق های خودشان را دارند .

نکته اضافی ۶ (زبان تخصصی) : به برخی اصطلاحات زیر که با ضمائر انعکاسی می آیند دقت کنید

- 28- We enjoyed ourselves. به ما خوش گذشت
29- Help yourself. از خودتان پذیرایی کنید
30- Make yourself at home. راحت باشید / خونه خودتونه
31- Behave yourself at grandfather's house. مراقب رفتار خودتان در خونه پدر بزرگ باش.

نکته اضافی ۷ (زبان تخصصی) : توجه کنید که از ضمائر انعکاسی به جای (each other / one another) استفاده نکنید

- 32- John and Mary are strange: They talk to themselves a lot. آنها هريك فقط با خودشان صحبت می کنند
33- John and Mary talk to each other on the phone every day. جان با مری صحبت می كند ، و مری هم با جان
34- Mark and Sara killed themselves. مارك و سارا خودشان را كشتند
35- Mark and Sara killed each other. مارك و سارا همدیگر را كشتند
36- Bill and Mary gave one another Christmas presents last year.
37- The birds fought each other over the bread.

*36- The birds fought with themselves over the bread. (جمله نادرست)

توجه: معمولاً بعد از فعل های (meet / marry) از (each other) استفاده نمی کنند.

*38- Reza and Ali met each other in 1998. (جمله نادرست)

*39- Susan and Peter married with each other in 2012. (جمله نادرست)

نکته اضافی ۸ (زبان تخصصی) : ضمیر انعکاسی و تأکیدی ، برای کلمه (one) ، oneself می باشد.

- 40- One often hurts oneself accidentally.
41- One has to ask oneself what the purpose of the exercise is.
42- Some things one must do oneself.
43- It is easy to feel sorry for oneself.